

تعریف می کنند، یکی از جوان های پای کار مسجد که از ناحیه پا کم توان است. دانشجوی دانشگاه ثامن در الهیه است و شنا را دوست دارد.

با او هم چند دقیقه ای به گفت و گومی نشینیم. می گوید: متولد ۷۸ هستم و حدود سه سال است که به مسجد چهارده معصوم رفت و آمد می کنم. بچه های دیگر در خیلی کارها به من اعتماد می کنند اما به طور تخصصی در بعضی مراسم ها سیستم صوت را به من می سپارند. در پایگاه بسیج هم جانشین مسئول اردویی هستم.

درباره سطح شیب داری که به افتخار او در مسجد ساخته اند نیز با خنده می گوید: این رمپ استاندارد نیست و یک بار نزدیک بود حواسم پرت شود و بیفتم پایین ولی همین که حواس بچه ها به من بود خیلی ارزش دارد. به مرور، من هم یاد می گیرم از آن بروم بالا. الان در خیلی از اداره های ما همین رمپ هم نیست.

موفق است و توانسته است نمازگزار زیادی از قشر های مختلف جذب کند. از اعضای این مسجد درباره دلایل این موفقیت می پرسیم که می گویند: اولین رمز موفقیت مسجد چهارده معصوم هماهنگی و همدلی همه بخش های آن است. این اتفاق در کمتر مسجدی امکان وقوع دارد. اینکه امام جماعت و بسیج و هیئت امنا با هم هماهنگ باشند، یک موهبت الهی است که نصیب یک مسجد شود. همین اتفاق باعث شده است اتفاقات خوبی در مسجد بیفتد.

احداث رمپ معلولان

یکی از اتفاقات جالب در مسجد چهارده معصوم که حتی در بیشتر نهادهای اداری هم نظیر آن را نمی بینیم، وجود سطح شیب دار ویژه معلولان و کم توانان برای ورود به مسجد است. چند ماهی است که این رمپ را ساخته اند و وقتی در باره چرایی آن می پرسیم، از سبحان جعفری برایمان

برگزار می کنیم و در برگزاری مسابقات ورزشی و فرهنگی مسجد از فضای مدرسه استفاده می کنیم. مسجد چهارده معصوم با شهرداری هم ارتباطات خوبی دارد. با هماهنگی ای که با بخش فرهنگی شهرداری داشته ایم تاکنون بچه های مسجد را برای دیدن چند فیلم مختلف به سینما برده ایم و در بخش بسیج بانوان هم تا حالا چند انیمیشن و فیلم بلند پخش کرده ایم. آخرین فیلمی که دیدیم یتیم خانه ایران بود.

هنرور در باره دیگر مسابقات مسجد هم این چنین می گوید: در بخش خواهران، مسابقه گلبوش که درباره حجاب است یکی از برنامه های پر طرف دارمان است و مخاطبان بسیاری دارد. علاوه بر این، بسیج خواهران مسجد چهارده معصوم در تابستان ها برنامه های متنوعی از قبیل انواع کلاس های هنر خانه داری برگزار می کند.

رمز موفقیت

مسجد چهارده معصوم در مجموع مسجدی

مخاطب خوبی هم دارد. شهر آرای شما هم می آید. تمرین مهارت های اعتماد به نفس هم داریم. تمرین مقاله خوانی برای بچه ها باعث می شود اعتماد به نفسشان بالا برود و به همین علت، یکی از برنامه هایی که برای نوجوانان اجرا می کنیم قرائت داستان است. بچه ها داستان های مختلف مثل کتاب داستان راستان را انتخاب می کنند و در حلقه صالحین برای هم می خوانند.

همکاری با مدرسه محله

ارتباط بین مسجد و مدرسه کمک می کند بچه هایی که در هر دو نهاد حضور دارند محتوای واحدی را دریافت کنند، ضمن اینکه این دو نهاد به ارتقای هم کمک می کنند.

هنرور در این زمینه می گوید: توانسته ایم با مدرسه شهید شهر یاری که از مدارس منطقه است ارتباط بگیریم و برنامه های مشترکی را با این مدرسه اجرا می کنیم. یکی از این برنامه ها مسابقاتی است که به طور مشترک



گپ و گفت

پای صحبت فعال ترین و قدیمی ترین بانوی مسجد

اگر چه سن و سالی از او گذشته است، همچنان سرزنده و فعال در امور مسجد دخیل است. حاج خانم جهانی یکی از قدیمی ترین ساکنان خیابان شهید صیاد شیرازی در محله اقبال است. او حتی قبل از اینکه اولین مسجد این خیابان احداث شود اینجا زندگی می کرده است حتی قبل از آنکه نام شهید بیفتد روی پلاک خیابان. قصه مکان ها را مردمان آن مکان روایت می کنند و حاج خانم جهانی هم قرار است برای ما قصه قدیمی ترین مسجد خیابان صیاد شیرازی را روایت می کند. اصرار دارد در حیم زاده صدایش بزنیم، به علت علاقه ای که به همسرش دارد. خانم رحیم زاده، بفرمایید که سنگ بنای مسجد در چه سالی گذاشته شد.

ساخت مسجد حدود سال ۷۲ شروع شد، قبل از آنکه هنوز این محله به اسم محله شهید صیاد شیرازی اسم گذاری شود و تعداد خانه های زیادی در این منطقه باشد.

پیش از آن نماز جماعت در این محله برگزار می شد؟

بله، برای نماز، به منزل یکی از قدیمی ها به نام آقای نیک افراز که پدر شهید و معتمد محله هستند می رفتیم که منزلشان در همین نزدیکی است.

مسجد چهارده معصوم چندمین مسجد محله است؟

مسجد ما اولین مسجد محله صیاد شیرازی است. حتی به این مسجد مسجد لادن هم می گفتند چون از اینجا تا محله لادن دیگر مسجدی نبود و در آن سال های دور خیابان شهید صیاد شیرازی هم هنوز باز نشده بود.

چه شد که اهالی تصمیم به ساخت مسجد گرفتند؟

در یکی از همین جلسات که در منزل آقای نیک افراز برگزار می شد، با آقای حاج حسین اسماعیلی آشنا شدیم. ایشان تهران بودند ولی آمده بودند به زمین هایی که داشتند سر بزنند. با ایشان صحبت کردیم و خواهش کردیم زمینشان را برای مسجد بدهند. این چنین شد که زمین مسجد را آقای اسماعیلی وقف کرد. البته زمین مال همسرشان بود. آقای اسماعیلی دید در این محل مسجد نیست با همسرش صحبت کرد و زمین را وقف مسجد کرد. زمین مسجد تقریباً ۴۵ متر است.

اهالی هم همراهی کردند؟

بله، همه با هم درخواست را مطرح کردند. بعد از آنکه حاج حسین قبول کردند زمین را وقف کنند، مردم محله احساس کردند از یتیمی درآمده اند. محله ای که مسجد و امام جماعت و نمادی از خانه خدا نداشته باشد، یتیم است دیگر! آقای اسماعیلی تا مدتی در محل بودند. ایشان دیگر در قید حیات نیستند ولی همسرشان تهران

هستند و فقط بعضی محرم ها می آیند.

حاج خانم، مسجد را خود آقای اسماعیلی ساختند؟

مردم هم کمک کردند اما بیشترین زحمت را ایشان و دامادشان، آقای علی پور، کشیدند. ابتدا زمین مقداری گودبرداری شد و مردم به طور موقت نماز را برپا می کردند. بعد کم کم مسجد ساخته شد. گودبرداری ای که آن زمان انجام شد، الان در اختیار جوانان و نوجوانان مسجد است تا برای انجام فعالیت های ورزشی مورد استفاده قرار گیرد.

آقای علی پور شغلش چیست؟

داماد آقای اسماعیلی جزو کارکنان شرکت برق بود. آن موقع، خیلی زحمت کشیدند برای ساخت مسجد. در حقیقت، بنای مسجد را ایشان ساختند و در بعضی مواقع خودشان حتی نقش معمار را هم داشتند. آقای علی پور چون ساکن محله ما نیست، کمتر سر می زند به مسجد اما این بنا از ایشان و پدر خانمشان باقی مانده است. یکی دیگر از افرادی که خیلی در ساخت مسجد زحمت کشیدند هم آقای حق طلب است که برادر خوانده آقای اسماعیلی هستند. البته خود اهالی هم خیلی کمک کردند در ساخت مسجد ولی زحمت اصلی به گردن همین خانواده بود. خدا خیرشان بدهد. باقیات صالحاتی شد برایشان.